



معرفی کتاب خارجی

تاریخ فاطمیان مصر کاوشی نوین

• دکتر ستار عودی

- کاوشی در امپراطوری اسلامی - تاریخ فاطمیان و منابع آن^۱
- پل، ای واکر
- مؤسسه مطالعات اسماعیلی، لندن، ۲۰۰۲

نویسنده کتاب پل، ای، واکر مورخ معاصر است که علاقه ویژه‌ای به تاریخ فاطمیان و اندیشه‌های اسلامی دارد. او اکنون استاد مهمان در مرکز مطالعات خاورمیانه وابسته به دانشگاه شیکاگو در آمریکا است.

واکر تألیفات و پژوهش‌های متعددی دارد: از جمله کتاب ابوعقوب سجستانی (۱۹۹۶)، حمیدالدین کرمانی (۱۹۹۹)، پیدایش فاطمیان (۲۰۰۰) با همکاری ویلفرد مادلونگ و کتاب فعلی وی درباره تاریخ فاطمیان است.

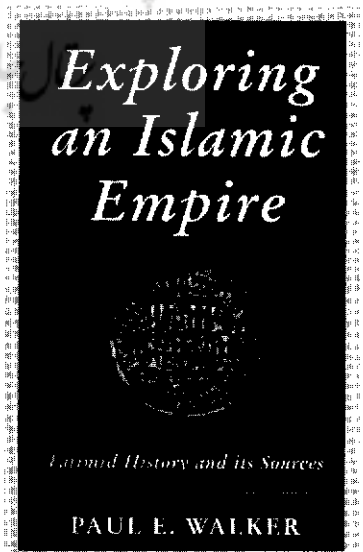
چاپ اول کتاب را انتشارات توریس در لندن در ۲۰۰۲ م به عنوان هفتمین کتاب از سری کتاب‌های میراث اسماعیلیه چاپ و منتشر کرد.

کتاب دارای ۲۸۶ صفحه و در برگزیده مقدمه ۱۵ صفحه‌ای و دو بخش است. بخش اول آن درباره تاریخ فاطمیان است که شامل سه فصل است که بیشتر تاریخ سیاسی دولت فاطمیان را در بر دارد. بخش دوم کتاب به منابع و بررسی‌های آن پرداخته است و شش فصل دارد.

نویسنده در پایان کتابش توضیحات و نکته‌های مهم هر فصل و دوکتا‌شناسی ارزشمند را ذکر کرده است. نخستین کتاب‌شناسی درباره منابع کهن و قدیمی و دومی درباره منابع و پژوهش‌های نوین و معاصر است و در آخر نمایه کتاب را درج کرده است.

مؤلف، کوتاه و گزیده تاریخ تأسیس دولت فاطمی از زمان ورود ابوعبدالله حسین بن احمد بن محمد صنعانی شیعی به افریقه (تونس) در ۲۸۰ قمری و به روایتی ۲۸۸ قمری تا تأسیس دولت فاطمی در ۲۹۶ - ۲۹۷ قمری و امامت مهدی در ۲۹۷ قمری را یادآوری می‌کند. سپس تاریخ این سلسله را تا زمان سقوط آن سال ۵۶۷ ق / ۱۱۷۱ م در سه فصل بیان می‌کند و در هر فصل به بررسی یک مرحله از تاریخ فاطمیان، بدین شرح، می‌پردازد:

- ۱- مرحله نخست (۲۹۶-۳۶۲ ق / ۹۰۹-۹۷۳ م). در این مرحله فاطمیان به مقدمات تأسیس دولت در افریقه (تونس) و مغرب و حرکت به سوی مصر می‌پردازند.
- ۲- مرحله دوم (۳۶۲-۴۶۶ ق / ۹۷۳-۱۰۷۴ م). که مؤلف آن را قرن امپراطوری نامیده است.
- ۳- مرحله سوم (۴۶۶-۵۶۷ ق / ۱۰۷۴-۱۱۷۱ م). که نویسنده آن



راقرن وزیران نظامی نامیده است.

بخش دوم کتاب شامل ۶ فصل است. در این بخش مؤلف به منابع تاریخی که شامل نسخ خطی، اسناد و نامه‌ها (اعم از اصلی یا تصویر آنها)، گزارش شاهدان عینی و مورخان معاصر حوادث، فرهنگ‌های جغرافیایی و تاریخی و تراجم، نوشته‌های ادبی و علمی، آثار و پژوهش‌های معاصر، سکه‌ها و بناهای تاریخی و آثار هنری باقی مانده از آن دوره مورد تحقیق، می‌پردازد.

واگر در مقدمه به نشأت شیعه از زمان حضرت علی (ع) و ریشه تشیع تا اواخر قرن سوم هجری قمری یا نهم میلادی یعنی در مدت دو قرن و نیم اشاره می‌کند و می‌گوید تشیع پس از شهادت امام صادق (ع) در اواسط قرن دوم هجری قمری شاهد ظهور و پیدایش فرقه اسماعیلیه بودند که معتقد به امامت اسماعیل، فرزند حضرت امام جعفر صادق (ع)، بود. البته میان اهل تسنن و فرقه‌های اهل تشیع تفاوت زیادی درباره مفهوم امام و چگونگی تعیین و انتخاب او وجود دارد که نویسنده به اختصار به آنها اشاره می‌کند و می‌گوید، دعوت برای فرقه اسماعیلیه حدود ۱۵۰ سال به کندی پیش رفت ولی در اواخر قرن سوم هجری روند آن سرعت زیادی یافت به خصوص در شمال آفریقا که منجر به پی‌ریزی و تأسیس دولت فاطمیان گردید.

سپس واگر به مشکلات تحقیقی در تاریخ سلسله فاطمیان از جمله دسترسی به منابع اسماعیلیه که بیشتر آنها جنبه فرقه‌ای و عقایدی دارد تاتاریخی اشاره کرده است. ولی با این وجود در لابلای این نوع کتاب‌ها هم اطلاعات تاریخی ارزشمندی می‌توان یافت و از این رو هرگز نمی‌توان از این گونه منابع و کتاب‌ها چشم‌پوشی کرد.

برای بررسی تاریخ فاطمیان اسناد و مدارک اسماعیلیه تنها منابع دسته اول و معتبر برای شناخت عقاید و تاریخ فاطمیان اسماعیلی به شمار می‌رود. البته بررسی و مطالعه مسائل عقیدتی و دینی فاطمیان به دلایل مختلف کاری بسیار دشوار است. صرف نظر از بعد مذهبی و عقیدتی، مطالعه تاریخ فاطمیان دلایل موجه و معتبری دارد، زیرا فاطمیان پس از اغلییان (حکومت ۱۸۴-۲۹۶ هـ. ق) و پیش از بنی زبیری در مغرب حکومت می‌کردند در مصر هم بعد از اشیدیان (حکومت ۳۲۳-۳۵۸ هـ. ق) و پیش از ایوبیان فرمانروایی داشتند، از این رو مطالعه تاریخ هر دو کشور مصر و مغرب مستلزم بررسی تاریخ فاطمیان است. زیرا، آنها در هر دو ناحیه حکومت داشتند. نویسنده اثر تأکید دارد که بررسی منابع و کتاب‌های مرتبط به فرقه اسماعیلیه با مطالعه کتب تاریخ فاطمی متفاوت است. ممکن است هر دو دربرخی قضایا با هم تداخل و تشابهی داشته باشند ولی در بیشتر مسائل با هم ارتباطی ندارند.

درباره منابع باید گفت که بسیاری از بهترین منابع مربوط به تاریخ فاطمیان سال شمارهای قرون وسطی است که اصولاً پس از سقوط فاطمیان نوشته شده است.

واگر از میان منابع اصیل و کهن مربوط به تاریخ فاطمیان تنها به کتاب اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء اثر تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی (متوفای ۸۴۵ هـ. ق / ۱۴۴۱ م) اشاره کرده است که اختصاص به فاطمیان و تاریخ آنها دارد. از آنجا که مقریزی دو قرن پس از سقوط

فاطمیان متولد شده است، او را نمی‌توان شاهد عینی حوادث شمرد. مؤلف همچنین از ادریس عمادالدین (متوفی ۸۷۲ ق / ۱۴۶۶ م) مؤلف اثر عیون الاخبار که فقط ۲۶ سال پس از مقریزی زنده بود، نیز نام می‌برد. ادریس عمادالدین رئیس جامعه اسماعیلیان یمن بود؛ و کتابش را درباره امامان اسماعیلی نوشته که در نوع خود بی نظیر است.

از میان مورخان معاصر که سالیان دراز در تاریخ اسماعیلیان و فاطمیان تحقیق و پژوهش کردند و تمام عمرشان را برای بررسی‌های تاریخی درباره اسماعیلیه وقف کردند، فرهاد دفتری مؤلف کتاب اسماعیلیه (۱۹۹۰)؛ و ایمن فؤاد سید مؤلف کتاب الدولة الفاطمیه فی مصر را می‌توان نام برد.

هدف کتاب کاوشی در امپراطوری اسلامی ارائه گزارشی فراگیر درباره تاریخ فاطمیان با گستردگی جغرافیایی و تنوع بافت جمعیتی آن نیست بلکه منظور از این کتاب مروری گذرا به تاریخ فاطمیان و ارائه کتابشناسی فراگیری از دوران حکومت فاطمیان اسماعیلی است.

فصل اول بخش نخست کتاب با عنوان «مغرب» به تاریخ سیاسی و توسعه قلمرو فاطمیان در مغرب، شام و مصر می‌پردازد.

فصل دوم کتاب به نام «قرن امپراطوری» است و مؤلف در آن می‌نویسد: قاهره پایتخت نوین فاطمیان از زمان ورود المعز به مرکز امپراطوری دولت فاطمیان و کانون تجارت در غرب جهان اسلام بود.

فاطمیان اسماعیلی به منصب قاضی القضاة که مدت‌ها در اختیار قاضی نعمان بن محمد تمیمی معروف به قاضی نعمان بن حیون (متوفی ۳۶۲ ق) بود اهمیت بسیار زیادی قائل بودند که وی وظایف خطیری را به عهده داشت.

قضاة اسماعیلی مجالسی را به نام «مجالس الحکمه» به طور هفتگی برای تدریس برپا می‌کردند. در سال ۳۹۵ هـ ق هم الحاکم بامرالله فاطمی کتابخانه و دارالعلم یا دارالحکمه تأسیس کرد که هدف از آن ترویج عمومی علوم برای همگان بود. المعز بر خلاف عقاید اسماعیلیه پسرش ابومنصورنزار المعروف به العزیز بالله (حکومت ۳۶۵-۳۸۶ ق / ۹۷۵-۹۹۶ م) را به ولیعهدی منصوب کرد و خود وی در سال ۳۶۵ ق / ۹۷۵ م در گذشت. العزیز بالله برای نخستین بار در ۳۶۷ ق / ۹۷۱ م وزارت را به طور کامل به یعقوب بن کلس یهودی اسماعیلی شده، سپرد. ابن کلس در امور دیوانی با تجربه بود. این وزیر با تدبیر و دانشمند که کتابی هم به نام الوزیر داشت با قدرت به اداره امور دولت فاطمیان پرداخت و در سال ۳۸۰ ق / ۹۹۱ وفات یافت.

در حقیقت خلفای عصر اول فاطمی (۳۵۸-۴۶۵ ق) هیچ‌گونه علاقه‌ای به داشتن وزیر یا شریک در قدرت نداشتند و بیشتر شخصی را با توانایی کمتر و اختیارات اندک به عنوان واسطه برمی‌گزیدند تا دستورات آنان را جهت اداره امور مملکت اجرا کند. در این دوره از ابوالقاسم علی بن احمد جرجاری که پست‌های مختلفی داشت و در سال ۴۱۸ ق / ۱۰۲۷ م به وزارت رسید و تا زمان مرگش ۴۳۶ ق / ۱۰۴۴ م در این سمت ماند و نیز ابومحمد حسن یازروی (مقتول ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م) که از ۴۴۱ ق / ۱۰۵۰ م در مسند وزارت قرار گرفت، می‌توان نام برد.

مؤلف کتاب در اینجا به روابط اسماعیلیان با اقلیت‌های دینی و

مستعلی قیام کرد ولی اعتراض وی نتیجه‌ای نبخشید و پس از شکست سپاهیان دستگیر و کشته شد. داعیان و مخالفان اسماعیلی تعیین مستعلی و دورنگه داشتن نزار از فاطمیان منشعب شدند و فرقه نزاریه را که مشهورترین رهبر آنها حسن صباح بود، در ایران و سوریه به وجود آوردند.

در پایان این بخش کتاب مؤلف بر اهمیت بررسی حوادث مصر در سال‌های آخر حکومت فاطمیان و نهادهای علمی، فرهنگی، دینی این دولت تأکید می‌کند و به دارالعلم، و نهادهایی چون داعی‌الدعات، قاضی القضاة و دو اوین مختلف اشاره می‌کند و بر اهمیت مطالعه تاریخ فاطمیان تأکید می‌کند.

بخش دوم کتاب که با فصل چهارم آغاز می‌شود به منابع تاریخی و لزوم بررسی آنها می‌پردازد. فصل چهارم با عنوان سکه‌ها، نوشته‌های روی دیوارها، طرازها یا نوشته‌های روی پارچه، آثار باستانی و هنری به این دسته از منابع اصلی و بسیار مهم اشاره دارد.

و اگر در این فصل به بررسی سکه‌های دولت فاطمی می‌پردازد و می‌نویسد سه خلیفه نخست فاطمی ترجیح دادند عبارتی قرآنی و بدون هیچ‌گونه پیام شیعی روی سکه‌ها ضرب کنند و بیشتر از عبارت «الحمد لله رب العالمین» بهره بردند. از ۳۸۶ ق / ۹۹۶ تا پایان دولت فاطمی روی سکه‌ها عبارت «علی ولی الله» به چشم می‌خورد.

بعد از نوشته روی دیوارهای مساجد عصر فاطمی بحث شده است. مباحث مهم این بخش شامل: بخش‌نامه المهدی فاطمی جهت تغییر نام تمام مساجد و بناهای پیش از خود و گذاشتن نام خود بر آنها، دستورالاحکام بامرالله فاطمی مبنی بر نفرین صحابه و نوشتن آن با خط درشت و رنگی روی دیوارهای شهر و مساجد و بحثی درباره مسجد جامع الحاکم در قاهره و مفقود شدن نوشته‌های سر در آن، بازسازی مسجد ابن طولون در ۴۷۰ ق / ۱۰۷۷ م، آثار سایر خلفا و وزیران فاطمی به طور گزینشی و گذرا.

در بخش طراز که عبارت‌اند از پرچم‌ها، خلعت‌ها، لباس‌های فاخر که روی آنها نام خلیفه و القابش و احياناً ذکر برخی تاریخ‌ها که اهمیت زیادی داشت نوشته شده بود.

در پایان این فصل بحثی درباره کارهای هنری عصر فاطمی و حفاری‌های باستان‌شناسان در مراکز حکومتی فاطمیان در مهدیه، منصوریه و فسطاط آمده است.

فصل پنجم اختصاص به نامه‌ها و اسناد عصر فاطمی دارد. مؤلف معتقد است اسناد و مدارک تاریخی اندکی از دولت‌های کهن اسلامی و از جمله دولت فاطمی به جا مانده است. زیرا هر دولتی که به قدرت می‌رسد آرشیوهای دولتی حکومت پیش از خود را به بی‌فایده می‌داند و در بیشتر اوقات آنها را از بین می‌برند. البته حالت‌های استثنایی مثل آرشیو ارزشمند جنیزه قاهره نیز وجود داشت.

سپس از اسناد، عرض حال‌ها، شکایات مردم، نامه‌های شخصی، اسناد دادگاه‌ها و احکام بحث کرده و به بررسی و ارزیابی کار جمال‌الدین شیال یکی از محققان معاصر مصری که مجموعه‌ای از اسناد عصر فاطمی را گردآوری کرده بود، پرداخته است. مؤلف در این فصل، کتاب ارزشمند افتتاح‌الدعوة

اوضاع آنان در سایه دولت فاطمی و نیز بحث مهم و مشهور ادعای خدایی ششمین خلیفه فاطمی ابوعلی منصور المعروف به الحاکم بامرالله (حکومت ۳۸۶-۴۱۱ ق / ۹۹۶-۱۰۲۱ م) و دو دستگی مردم در این باره اشاره می‌کند.

در ۳۸۸ ق / ۹۹۸ م خاندان جراح که جزء قبایل طی هستند از ضعف دولت فاطمی استفاده کردند و بر ضد فاطمیان قیام کردند که سپاه الحاکم فاطمی آنها را سرکوب کردند. آنان دوباره در ۴۰۴ ق / ۱۰۱۳ م شورش کردند که این بار نیز از مستقل شدن در فلسطین ناکام ماندند.

در دوران خلافت المستنصر که ۶۰ سال طول کشید دو تن از داعیان بزرگ اسماعیلیه با فاصله زمان اندکی از مصر دیدن کردند. المؤید فی‌الدین هبة‌الله شیرازی و ناصر خسرو قبادیانی که هر دو جزء بزرگترین ادیبان و داعیان اسماعیلیه به شمار می‌رفتند. المؤید فی‌الدین شیرازی پس از قانع کردن خلیفه فاطمی برای یاری رساندن به قیام امیرترک بساسیری بر ضد خلافت عباسی در بغداد، همراه با اموال زیاد راهی مرکز خلافت عباسیان شد تا این کمک‌ها به بساسیری که به مدت یک سال (۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م) بر بغداد به نام خلفای فاطمی حکومت کرد، برساند. ناصر خسرو نیز در سفرش به دنیای اسلام که هفت سال به درازا کشید (۴۳۷-۴۴۴ ق) از مصر دیدن کرد و مطالب ارزنده‌ای را در سفرنامه‌اش آورد.

در پایان این فصل مؤلف به جنگ‌های دریایی فاطمیان با ناوگان‌های دریایی ایتالیا و اروپا در مدیترانه، حوادث سسیل و حاکمان دست نشاندۀ خویش در این جزیره موسوم به بنی‌کلب، رقابت‌های سنگین عباسیان با فاطمیان در حجاز و یمن و نشانه‌های ضعف دولت فاطمی در اثر شورش‌های مختلف چون قیام ابو رکوة و بنی الجراح، ضعف سپاه فاطمی در اثر ناهماهنگی میان عناصر آن که در بزرگ‌بندۀ افراد مختلفی از اقباش و مذاهب و گرایش‌های گوناگون بود رواج فساد در دربار و دخالت زنان در امور مملکت و بروکراسی، اشاره می‌کند.

فصل سوم کتاب که مؤلف آن را «قرن وزیران نظامی» نامیده است اختصاص به دوره آخر حکومت فاطمیان و سقوط آنها دارد. باید گفت از مرگ المستنصر تا سقوط دولت فاطمیان (۵۶۷ ق / ۱۱۷۱ م) نشانه‌های انحطاط و فروپاشی دولت آشکار شد.

ظاهراً مسئله جانشینی خلیفه فاطمی اسماعیلی تا مرگ المستنصر مشکل ساز نبود زیرا طبق عقاید اسماعیلیه حکومت پس از پدر به فرزند ارشد می‌رسید مگر در حالت استثنایی که درباره العزیز رخ داد. بر این اساس پس از مرگ المستنصر خلافت باید به نزار فرزند ارشد وی می‌رسید، ولی وزیر دولت فاطمیان یعنی الافضل بن بدر الجمالی که از نزار به دلایلی کراهت و دشمنی داشت، این نظریه جانشینی که در دولت فاطمی اعمال می‌شد را نادیده گرفت و برادر کوچکترش ابوالقاسم احمد را به جانشینی پدر برگزید و به او لقب المستعلی بالله داد و او را به عنوان نهمین خلیفه فاطمی برگزید. با توجه به اینکه المستعلی بیست ساله شوهر خواهر الافضل بن بدر الجمالی بود مخالفان این انتصاب این اقدام را نوعی کودتا علیه فاطمیان و به نفع خاندان جمالی شمردند.

نزار که مخالف این انتصاب بود از دربار فرار کرد و بر ضد دولت

متأسفانه آثارشان از بین رفته است.

تألیفات برخی از مؤلفان عصر فاطمی تاکنون به جا مانده است همانند: ابوالفرج یحیی بن سعید انطاکی که ظاهراً ادامه کار ابن بطریق است و حوادث تاریخی را تا ۴۲۵ ق / ۱۰۳۴ م ذکر کرده است، عزالملک محمد مسیحی (متوفی ۴۲۰ ق / ۱۰۲۹ م) شاهد عینی بوده که تاریخ حوادث روزانه را از ۳۶۸ ق / ۹۷۸ م تا ۴۱۵ ق / ۱۰۲۴ م ثبت کرده است که فقط حوادث سال‌های ۴۱۴ قمری و بخشی از ۴۱۵ قمری باقی مانده است، ابواسحاق ابراهیم بن وراق مغربی که اثر ماندگارش تاریخ افریقیه و المغرب است، تاریخ بطرفه الكنيسة المصریة به‌یاسیر البیع المقدسه اثر ساویروس معروف به ابن مقفع اسقف اسمنین و معاصر المعزالدین الله فاطمی، کتاب‌های داعی بزرگ اسماعیلی حمید الدین کرمانی است که در ۴۰۶ ق / ۱۰۱۵ م به مصر آمد و درباره عقاید اسماعیلیه و هویت الحاتم فاطمی سخن گفته است.

مهم‌ترین منابع نیمه اول قرن پنجم هجری قمری را دو داعی بزرگ اسماعیلیه و دو نویسنده توانمند ایرانی نگاشته‌اند. یکی ناصر خسرو قبادیانی که در ۴۳۹ ق / ۱۰۴۷ م به مصر رفت و چند سالی در این سرزمین ماند و در سفرنامه معروفش سخنانی درباره قاهره و فسطاط آورده است؛ و دیگری داعی بزرگ المؤید فی الدین شیرازی که در ۴۳۸ ق / ۱۰۴۶ م به مصر آمد و در فعالیت‌های سیاسی تا زمان وفاتش در ۴۷۰ ق / ۱۰۷۸ م شرکت داشت.

در نیمه دوم قرن پنجم مورخانی چون ابن بطلان مسیحی، ابن رضوان، المبشر بن فاتک مؤلف مختار الحكم و محاسن الکلم، قاضی الرشید بن زبیر (متوفی ۵۶۲ ق / ۱۱۶۷ م) مؤلف کتاب الهدایا و التحف یا الذخائر و التحف امیه بن ابی صلت مؤلف الرسالة العصریه و تعدادی از مورخان مسیحی که تواریخ مسیحی خود را ادامه دادند.

تاریخ اواخر عصر فاطمیان و پیدایش ایوبیان هم‌زمان با حملات صلیبیان بسیار پیچیده و تا حدودی مبهم و متناقض است. از بارزترین مورخان این دوره که همگی شاهدان عینی حوادث بودند از ابن قلائس مؤلف ذیل تاریخ دمشق که در سوریه و معاصر صلیبیان بود، اسامه بن منقذ (متوفی ۵۸۴ ق / ۱۱۸۸ م) مؤلف کتاب الاعتبار که ده سال (۵۳۹ - ۵۴۹ ق / ۱۱۴۴ - ۱۱۵۴ م) در قاهره زیست، عماره بن ابی الحسن یمانی معاصر آخرین وزیران فاطمی، ابن طویر (متوفی ۶۱۷ ق / ۱۲۲۰ م) مؤلف کتاب مشهور نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین می‌توان نام برد.

فصل هفتم به تواریخ مهم و کتب تراجم و سرگذشت‌نامه‌ها می‌پردازد. یکی از واپسین و مشهورترین سال‌شمارنویسان قرون وسطایی احمد بن علی مقریزی (متوفی ۸۴۵ ق / ۱۴۴۲ م) است. او تنها مورخی است که در سه‌بخش یعنی تاریخ، خطط و بیوگرافی یا تراجم تألیفاتی دارد.

مقریزی کتاب ارزنده‌ای به نام اتعاض الحنفیه باخبر الانامة الفاطمیین الخلفاء دارد که با ذکر جزئیات، تاریخ فاطمیان را شرح داده است و با استفاده از منابع دست‌اولی که در آن زمان در اختیار داشت که امروزه چنین منابعی از بین رفته است. در کنار این تصنیف عالی و معتبر او دو کتاب به نام‌های الخطط والمقفی الکبیر که در تراجم نگاشته است؛ و اهمیت فراوانی دارد.

اثر قاضی نعمان بن حیون معاصر خلفای نخستین فاطمی را نقد و بررسی کرده است و معتقد است که این اثر یکی از معتبرترین کتاب‌های تاریخی عصر فاطمیان به شمار می‌رفته است.

فصل ششم کتاب به خاطرات و گزارش‌های شاهدان عینی حوادث اختصاص دارد. عموماً گزارش‌های عینی که در عصر فاطمیان بسیار اندک و استثنایی هستند دارای اهمیت بسیاری است و به مراتب از منابع دسته دوم ارزشمندتر هستند.

آثار به‌جامانده از دوران حکومت فاطمیان در افریقیه بسیار اندک هستند که در این میان می‌توان به آثار ابن هیثم قیروانی، جعفر حاجب که هر دو تألیفاتی در زمینه ادبیات دارند که جزء میراث فرهنگی اسماعیلیان به‌شمار می‌رفت، خُسنی (متوفی ۳۷۱ ق / ۹۸۱ م) نویسنده کتاب طبقات علماء افریقیه، عرب بن سعد قرطبی (متوفی ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م) صاحب صله تاریخ الطبری که اعتماد هر دو بر گزارش‌های مالکیان فراری به اندلس است. سیره الحاجب جوذر که خاطرات جوذر نوکر المهدی نخستین خلیفه فاطمی را دربر دارد و دارای ارزش فوق‌العاده است چرا که جوذر به همراه خلیفه پیش و پس از خلافت مهدی فاطمی بوده و گزارش وی جزء نادرترین منابع عصر فاطمی است که تاکنون در دسترس مورخان قرار داشته است.

کتاب‌های قاضی نعمان بن حیون (متوفی ۳۶۳ ق / ۹۷۳ م) جزء مهم‌ترین منابع تاریخی به شمار می‌روند. چرا که وی هم قاضی القضاة دولت فاطمی بود و هم شاهد عینی بسیاری از حوادث در دوران خدمتش به‌چهار خلیفه نخست فاطمی بوده است. از جمله کتاب‌های مهم وی از افتتاح الدعوة و ابتداء الدولة، دعائم الاسلام، الايضاح و المجالس و المسایرات که به اعتقادات اسماعیلیه و امامت آنها می‌پردازد، می‌توان نام برد.

از جمله مورخان دیگر معاصر فاطمیان به جعفر بن منصور الیمین پسر ابن حوشب یمنی، ابن حوقل مؤلف صورة الارض که در سال‌های (۳۳۶ - ۳۴۰ ق / ۹۴۷ - ۹۵۱ م) از شمال آفریقا دیدن کرد و هواخواه فاطمیان بود، می‌توان اشاره کرد.

درباره مورخان مصر در عصر فاطمیان و تألیفات مهم آنها مؤلف چنین می‌نویسد: بارزترین مورخ مصر به هنگام فتح مصر به دست جوهر سیسیلی در ۳۵۸ ق / ۹۶۹ م شیخ المورخین ابو محمد حسن بن زولاق (متوفی ۳۸۷ ق / ۹۹۷ م) بود. او شاهد عینی این حادثه بسیار مهم تاریخی بود و با جوهر ارتباط داشت. وی علاوه بر کتاب ادبی به نام اخبار سیبویه المصری چندین تصنیف در تراجم و زندگینامه جوهر، المعز بالله، العزیز بالله نوشت که متأسفانه از بین رفتند و تنها بخش‌هایی از آنها در برخی کتاب‌ها چون اتعاض الحنفیه مقریزی به طور پراکنده یافت می‌شود. دیگر ابو عبد الیمنی (متوفی ۴۰۰ ق / ۱۰۰۹ م)، ابو منصور فرقانی، ابن مهذب که خاندانش همراه المعز از قیروان به قاهره آمدند و کتابی به نام سیر الاثمه نوشت، ابن سعید مؤلف و مورخ مخصوص المغرب فاطمی، الاسوانی که از طرف جوهر سیسیلی به ناحیه نوبه رفت و کتابی به نام اخبار النوبه را نگاشت، عنانی (متوفی ۳۸۴ ق / ۹۹۴ م) و رودباری که همگی تألیفات تاریخی داشتند. اما،

زندگی نامه تمام خلفای فاطمی و تعدادی از وزیران و بزرگان دوران فاطمیان را می توان دید و نیز ابن میسر مؤلف تاریخ مصر، ابن عدیم (متوفی ۶۶۰ ق/ ۱۲۶۰ م) مؤلف بغیه الطلب فی تاریخ حلب و زیده الطلب فی تاریخ حلبه ابن واصل (متوفی ۶۹۷ ق/ ۱۲۹۷ م) مؤلف مفروح الکروب فی اخبار بنی ایوب را می توان نام برد.

واکر آنگاه به مؤرخان قرون بعدی اشاره می کند و نامی از شهاب الدین احمد نویری (متوفی ۷۲۳ ق/ ۱۳۳۳ م) مؤلف نهایه الارب فی فنون الادب که دایره المعارف بزرگی است، ابن دواداری مؤلف کنز الدرر و جامع الغرر که یک جلد آن به نام الدرّة المضيئة است و درباره تاریخ فاطمیان است، ناصرالدین محمد ابن فرات (متوفی ۸۰۷ ق/ ۱۴۰۵ م) مؤلف تاریخ الدول و الملوك ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲ ق/ ۱۴۴۹ م) نویسنده تألیفات بسیار و متعدد، ابوالمحاسن ابن تغری بردی (متوفی ۸۷۴ ق/ ۱۴۷۰ م) مؤلف النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة که تاریخ کامل مصر که از سال ۲۰ هجری قمری تا سال ۶۴۱ هجری قمری است و آخرین آنها ادریس عمادالدین (متوفی ۸۷۲ ق/ ۱۴۶۸ م) مؤلف عیون الاخبار که گزارشی از فعالیت امامان اسماعیلی است.

فصل هشتم کتاب به ادبیات و علوم می پردازد. در این فصل مؤلف به جنبه های مختلف ادبیات اشاره می کند و معتقد است که در لابلای چنین کتاب هایی مطالب تاریخی فراوانی یافت می شود. ادیبان و شعرا برای کسب معاش و اموال تصانیف خود را به حامیان و بزرگان خویش اهدا می کردند.

مؤلف در قسمت شعر و شاعران به بررسی اوضاع شاعران عصر فاطمی می پردازد.

مؤلف در این بخش دعوت اسماعیلیان و تلاش داعیان از زمان مهدی به بعد را شرح می دهد و بعد درباره تألیفات اسماعیلیه و مخالفان آنها مانند آثار محمد نسفی و ابوحاتم رازی و ابویعقوب سجستانی بحث می کند. سپس زندگی و تألیفات قاضی القضاة دولت فاطمیان و داعی بزرگ اسماعیلیان یعنی قاضی نعمان بن حیون (متوفی ۳۶۳ ق/ ۹۷۴ م) را بررسی کرده است.

در عصر العزیز بالله تلاش هایی را وزیر یهودی وی یعقوب بن کلس انجام داد تا علما به تألیف و تحقیق تشویق شوند که در نتیجه کتاب هایی چون الرسالة الوزیریة را نگاشتند. داعیان درجه دو نیز همانند نیشابوری به تألیف کتاب هایی چون اثبات الامامه و استتار الامام مبادرت ورزیدند.

مؤلف به مقایسه دیدگاه های فلسفی سجستانی و کرمانی از راه بررسی آثار این دو پرداخته است. سپس به مطالعه تصانیف ناصر خسرو و المؤید فی الدین و به ویژه مجالس الحکمة و المجالس المؤیدیه و نامه نگاری المؤید باشاعر بزرگ و نابینای عرب ابوالعلاء معری اشاره می کند و معتقد است که ادبیات مکتوب فرقه اسماعیلیه پس از سقوط دولت فاطمی ناپدید شده و دوشاخه نزاری و طیبی اسماعیلی دیگر در خارج مصر به فعالیت خود ادامه دادند که شاخه نزاری در ایران و طیبی در یمن بودند. فصل نهم اختصاص به مطالعات نوین دارد. در این بخش پایانی،

مؤلف به منابع افریقیه (تونس) و مغرب که به تاریخ فاطمیان پرداخته است، اشاره دارد و می نویسد: از جمله منابع مهم این منطقه تألیفات قاضی نعمان و عمادالدین ادریس که به علت اسماعیلی بودن آنها اهمیتی دوچندان دارد. سپس تألیفات قدیمی تری چون البیان المغرب اثر ابوالعباس احمد بن محمد بن عذاری مراکش (متوفی ۷۱۲ ق)، ریاض النفوس اثر ابوبکر عبدالله بن محمد مالکی قیروانی (متوفی ۴۶۰ ق/ ۱۰۶۸ م)، ترتیب المدارک اثر قاضی عیاض بستی (متوفی ۵۴۴ ق/ ۱۱۴۹ م)، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتیم اثر ابوعبدالله محمد بن علی بن حماد صنهاجی معروف به ابن حماد (متوفی ۶۲۸ ق/ ۱۲۳۱ م)، تاریخ افریقیه و المغرب اثر ابن رفیق قیروانی (متوفی بعد از ۴۱۸ ق/ ۱۰۲۷ م) است.

در میان مورخان مصری و شامی نیز برخی معاصر فاطمیان و شاهد عینی بسیاری از رویدادها بودند همانند ابن زولاق، مسیحی، ابن مامون، ابن فلاس و دیگران.

در اواخر دوران حکومت فاطمیان و آغاز دولت ایوبیان بعضی مورخان با تصانیف خود تاریخ این دوران را به عنوان شاهدان عینی به خوبی توصیف کردند. ابن ممتی، مخزومی که بیشتر به جنبه های دیوانی و اداری توجه داشتند، شیزری (متوفی ۵۸۹ ق/ ۱۱۹۳ م) که کتابی به نام الحسبه را نوشت، عماد اصفهانی (متوفی ۵۹۷ ق/ ۱۲۰۱ م) که منشی صلاح الدین ایوبی بود و کتابی به نام خریده القصر را نگاشت، ابن طویر ابو محمد عبدالسلام (متوفی ۶۱۷ ق/ ۱۲۲۰ م) مؤلف نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین که خود کارمند رسمی دربار فاطمیان بود. در کنار اینها گروهی از مورخان قرون بعدی همانند ابن فرات، مقریزی، قلقشندی، ابن تغری بردی و حتی ابن خلدون بودند که بابت بهره مند شدن از کتب پیشینیان به نگارش تاریخ پرداختند.

دو مورخ مصری دیگر نیز بودند که در عصر ایوبیان کتاب های مهمی درباره تاریخ فاطمیان نوشتند. اولی جمال الدین ابوالحسن علی ابن قفطی (متوفی ۶۴۶ ق/ ۱۲۴۸ م) مؤلف تاریخ الحکماء و دومی جمال الدین ابوالحسن علی ابن ظافر ازدی (متولد ۵۶۷ ق/ ۱۱۷۱ م) مؤلف تاریخ الدول المنقطعه که از آن تنها بخشی مربوط به فاطمیان به جا مانده است.

تعدادی از مورخان غیر شیعی و مشرقی هم بودند که به تاریخ فاطمیان اهتمام ورزیدند چون عبدالرحمن بن علی ابن الجوزی (متوفی ۵۹۷ ق/ ۱۲۰۰ م) صاحب تألیف المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم و نوه اش سبط ابن جوزی (متوفی ۶۵۴ ق/ ۱۲۵۶ م) مؤلف کتاب مرآة الزمان، عزالدین ابوالحسن علی بن اثیر (متوفی ۶۳۰ ق/ ۱۲۳۳ م)، ابوالمحاسن یوسف بن شداد (متوفی ۶۳۲ ق/ ۱۲۳۵ م) مؤلف الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، شهاب الدین ابوالقاسم عبدالرحمن معروف به ابوشامه (متوفی ۶۶۵ ق/ ۱۲۶۸ م) صاحب الروضتین فی اخبار الدولتین و ابن سعید مغربی (متوفی ۶۸۵ ق/ ۱۲۸۶ م) مؤلف المغرب فی حلی المغرب و دیگران.

در عصر ممالیک مصر که از سال ۶۴۸ ق/ ۱۲۵۰ م بر مصر حکومت می کردند، از ابن ابی اصیبه (متوفی بعد از ۶۶۷ ق/ ۱۲۶۸ م) مؤلف عیون الانباء فی طبقات الاطباء و احمد بن محمد بن خلکان (متوفی ۶۸۱ ق/ ۱۲۸۲ م) مؤلف اثر ارزشمند وفيات الاعیان که در آن تراجم و

دیگر نمی‌توان تاریخ فاطمیان را به تنهایی و به دور از آثار اسماعیلیان نوشت.

محققان و پژوهش‌گرانی که در زمینه تاریخ فاطمیان اسماعیلی تلاش‌های چشمگیری داشتند می‌توان به دو دسته یکی فرانسوی زبانان و دیگری عربی و انگلیسی زبانان تقسیم کرد. از جمله دانشمندان فرانسوی زبان ماریوس کنارد (۱۸۸۸ - ۱۹۸۲) استاد دانشگاه‌های الجزائر که تألیفات متعددی دربارهٔ روابط فاطمیان - بیزانسیان، سیف‌الدوله و حمدانیان، تاریخ مغرب و الجزائر و ده‌ها مقاله که در ۱۹۷۳ م طی یک مجموعه به چاپ رسید.

کلود کاهن (۱۹۰۹ - ۱۹۸۲) که مطالعات عمیقی در اقتصاد و تاریخ اواخر عصر فاطمی دارد، هادی روجرادریس متخصص تاریخ بنی زبیری که در این باره اثر دو جلدی وی دربارهٔ تاریخ زبیریان که در ۱۹۶۲ م به چاپ رسید، بسیار عالمانه و به یاد ماندنی است، و نیز فرحات دشراری مؤلف‌الدوله الفاطمیة فی المغرب در سال ۱۹۸۱ م و محمد طالبی مؤلف کتاب‌الدوله الاغلیبیه در ۱۹۶۶ م هر دو تونسوی و به زبان فرانسوی می‌نوشتند.

در میان علمای انگلیسی زبان نیز افرادی چون استیرن (۱۹۲۰ - ۱۹۶۹ م) گویتین (۱۹۰۰ - ۱۹۸۵ م)، ایوانو (۱۸۸۶ - ۱۹۷۰ م) مطالعاتی دربارهٔ تاریخ فاطمیان دارند.

از میان محققان عرب که بیشتر آنان مصری بودند می‌توان از محمد کامل حسین (۱۹۰۱ - ۱۹۶۱ م)، جمال‌الدین الشیال (۱۹۱۱ - ۱۹۶۷ م)، حسن ابراهیم حسن (۱۸۹۲ - ۱۹۶۸ م) و عبدالمنعم ماجد (۱۹۲۰ - ۱۹۹۹ م) می‌توان نام برد که هر کدام چندین تألیف ارزشمند دربارهٔ فاطمیان نوشته‌اند. از میان مورخان معاصر نیز نام دانشمند بزرگ مصری ایمن فؤاد السید که تمام عمرش را وقف تاریخ فاطمیان کرده و ده‌ها کتاب کهن و اصیل تاریخ مصر در عصر فاطمیان احیا و تحقیق و تألیف کرده است، برنارد لویس، ثیری بیانکس، پولا ساندرز، عباس همدانی، اسماعیل یوناوالا، و یلفریدمادلونگ، یعلایوی، هینز هالم، بریت و فرهاد دفتری را می‌توان نام برد.

در پایان کتاب نیز دو کتابشناسی بسیار ارزنده وجود دارد که اولی منابع کهن و اصیل را دربر دارد و تقریباً شامل کلیه منابع مربوط به دولت فاطمی است و دومی مجموعه نفیسی از کتاب‌ها و مقاله‌ها و مجله‌هایی دربارهٔ تاریخ فاطمیان اسماعیلی است که محققان معاصر آن را نوشته‌اند.

کتاب کاوشی در امپراطوری اسلامی - تاریخ فاطمیان و منابع آن که جزء جدیدترین آثار فاطمیان به شمار می‌رود، بسیار ارزنده و ویژه دو کتابشناسی که در آخر کتاب آمده است. جای این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی فارسی عصر فاطمیان خالی است و از این رو جا دارد آن به زبان فارسی برگردانده شود تا طیف وسیع تری از قشر فرهنگی و فرهیخته متبوتاند از آن بهره‌مند شود.

به‌دشواری تحقیق دربارهٔ اسماعیلیان و فاطمیان پیش از گشوده شدن کتابخانه طیبی اسماعیلیه در هند پرداخته است. بعد از اینکه کتابخانه افتتاح شد دورنمای تاریخ فاطمیان دگرگون شد و موضوع مهم مرتبط به اصل و ریشه فاطمیان و انتساب آنان به حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) بحث و بررسی شد و مؤلف چنین معتقد است که با عنایت به منابع موجود نمی‌توان دربارهٔ اصالت اسماعیلیان و نسبشان نظر قطعی داد.

در میان پژوهشگران معاصر که در زمینه فاطمیان و اسماعیلیان مطالعات عمیقی کردند می‌توان از مادلونگ، برنارد لویس، ایوانو، همدانی نام برد.

در گذشته نه چندان دور محققانی چون ویستنیفیلد (۱۸۸۱ م) با استفاده از منابع کهن عربی و سیلوستر دوساسی (۱۸۳۸ م)، بیکر (۱۹۰۲ م)، استانلی لین پل (۱۹۰۱ م)، گاستن ویت (۱۹۳۵ م) و دی لاس اولیبری (۱۹۲۳ م) با بهره‌گیری از منابع سنی و غیر اسماعیلی تاریخ اسماعیلیان را نوشت اما هیچ کدام از آنها را نمی‌توان تاریخ کامل فاطمیان نامید.

هنوز تاریخ مفصل و مشروح دربارهٔ فاطمیان که جوانب کامل تاریخ آنها را بررسی کرده باشد، نداریم و تنها اثر خوب در این زمینه تاریخ‌الدوله الفاطمیة فی المغرب و مصر و سوریه تألیف حسن ابراهیم حسن است که در تجدید چاپ کتاب در ۱۹۶۴ م تعدادی از منابع اسماعیلیه که تا آن زمان کشف شده بودیدان اضافه شد.

جدیدترین کتاب دربارهٔ فاطمیان به نام الدولة الفاطمیة فی مصر: تفسیر جدید چاپ ایمن فؤاد السید و در سال ۲۰۰۰ م منتشر شد.

پیش‌تاز مطالعات مدرن اسماعیلیه‌شناسی ولادیمیر ایوانو بود که در ۱۹۳۳ م از مجموعه کتاب‌های کتابخانه طیبی فهرست‌برداری کرد آن هم براساس فهرستی که در قرن دوازدهم نوشته شده بود. فهرست ایوانو که به کمک برخی از دانشمندان اسماعیلی: تهیه شده بود در ۱۹۶۳ م با عنوان ادبیات اسماعیلیه، سیری در کتابشناسی چاپ شد.

اخیراً، پرفسور اسماعیل پوناوالا دانشمند اسماعیلی دانشگاه کالیفرنیا کاتالوگ خود را در ۱۹۷۷ م به نام کتابشناسی ادبیات اسماعیلیه منتشر کرد که در آن مطالعات آثار سیصد نویسنده از آغاز عصر فاطمیان تاکنون را بررسی‌عالمانه کرده است. کتابشناسی این اثر عالی برای هر پژوهشگری ضروری است و مراجعه به آن برای تمام محققان اجتناب‌ناپذیر است. خوشبختانه تأسیس انستیتوی مطالعات اسماعیلیه‌شناسی در لندن به سرپرستی فرهاد دفتری سهم عظیمی در شناساندن فرقه اسماعیلیه دارد.

دفتری خود کتاب‌های بسیار ممتازی را دربارهٔ تاریخ اسماعیلیه و عقاید آنان نگاشته است و سری کتاب‌هایی از این قبیل زیر نظر وی در حال چاپ و انتشار هستند. آدم گاسیک کتابدار کتابخانه انستیتوی مذکور در ۱۹۸۴ -

۱۹۸۵ م لیستی از فهرست نسخ خطی عربی موجود در کتابخانه تهیه و منتشر کرد و در ۲۰۰۰ م دیلیا کورتیس یک مجلد اضافی دربارهٔ آخرین کشفیات و نسخ خطی و کتاب‌های مرتبط به اسماعیلیان تهیه و به مجله قبلی گاسیک افزود. اخیراً، انستیتوی اسماعیلیه‌شناسی لندن تصمیم گرفته است از تمام نسخ خطی و کتاب‌های مربوط به اسماعیلیان در آلمان و هند نسخ‌های عکسی تهیه کند. با وجود این همه منابع و پیشرفت‌های امروزه